

طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۰

سرهنک پاسدار دکتر علی اکبر قهرمانی^۱ و دکتر سید حسین ابطحی^۲

چکیده:

هدف: این پژوهش به بررسی شناخت عوامل مؤثر بر رویکرد مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران به منظور طراحی الگوی بومی این رویکرد می‌پردازد.

روش: نوع پژوهش کاربردی و روش پژوهش توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه است؛ از بین آنها به روش جدول نمونه‌گیری کوچیو مورگان ۱۱۵ نفر انتخاب گردیده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته که روایی آن مورد تأیید اساتید و صاحب‌نظران بوده و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین شده ($\alpha = 0.8614$) مورد تأیید قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون T (یک‌طرفه)، آزمون کلموگروف و اسمیرونوف، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون کندال تا اوبی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و همچنین برای آزمون الگوی تحلیلی پژوهش از نرم‌افزار لیزرل تحلیل عاملی صورت گرفته است. در این پژوهش عوامل و متغیرهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی نظیر منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای‌بودن پلیس، سبک رهبری، توانمندی‌های رهبری، فرهنگ سازمانی، انتظارات مردم از پلیس، انتظارات حاکمیت از پلیس، مشارکت اجتماعی، نظارت همگانی، مسأله‌محوری پلیس، اعتماد عمومی، قانون‌محوری پلیس و اقتدار پلیس به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر رویکرد پلیس جامعه‌محور در ایران تعیین شده‌اند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کلیه عوامل و متغیرهای پیش‌بینی‌شده در تحقیق با رویکرد پلیس جامعه‌محور ارتباط معناداری را نشان می‌دهد و بر آن نیز تأثیرگذار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: الگوی پردازش یافته‌ها پژوهش نشان می‌دهد که عوامل برون‌سازمانی با رویکرد پلیس جامعه‌محور و عوامل درون‌سازمانی ارتباط مستقیم داشته و عوامل درون‌سازمانی با رویکرد پلیس جامعه‌محور رابطه معکوس را نشان می‌دهد.

کلیدواژه:

مدیریت پلیس جامعه‌محور Community policing، سازمان پلیس Police organization، نظریه پلیس جامعه‌محور Community policing theory، مشارکت اجتماعی Community participation، مدیران و فرماندهان عالی‌رتبه Police higher managers & commanders، مسأله‌محوری پلیس Problem-based policing، نظارت همگانی Civil oversight، اعتماد عمومی Public confidence.

□ **استناد:** قهرمانی، علی‌اکبر و ابطحی، حسین (۱۳۸۹، بهار). طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره اول*، ۵۴-۸۱.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی (نویسنده مسئول)

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در حوزه ادبیات پلیس بروز و ظهور پیدا کرده است نظریه پلیس جامعه‌محور^۱ است. این مفهوم عبارت است از اینکه پلیس برای اداره امور پلیسی برای مدیریت جامعه از سرمایه‌های اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف، که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیس از بارزترین و شاخص‌ترین نمادهای آن به حساب می‌آید بهره بگیرد و به تغییر و تحولات توجه ویژه داشته باشد.

گفته شده که هیچ چیز غیر از تغییر ثابت نیست، با وجود این مدیران، سرپرستان پلیس و حتی نیروهای صف (نیروهای خط‌مقدم) پلیس اغلب نسبت به تغییر در هر شکلی مقاومت نشان داده و حفظ وضع موجود خود را ترجیح می‌دهند. اما تغییر در حال وقوع است و هم چنان روی خواهد داد. ادارات پلیس می‌توانند مقاومت کنند یا این چالش را بپذیرند و روی منافع احتمالی آن سرمایه‌گذاری کنند (بنتز، ۱۹۹۵، ص ۱۴).^۲ همان‌طوری که اشاره شد موفقیت پلیس نیز متأثر از چگونگی روبه‌رو شدن با این تحولات و تعامل با جامعه، توجه به تحولات و فرصت تلقی کردن آن است.

مقام معظم رهبری در یکی از بیانات خود به این امر اشاره دارند:

وجود نیروی انتظامی می‌بایست احساس امنیت را در آحاد مردم به وجود بیاورد. این شأن نیروی انتظامی است. پلیس در واقع مظهر اقتدار ملی است که در دولت متجلی است اگر پلیس بتواند با قدرت روحی‌اش، با توانایی علمی‌اش، با پیگیری‌اش، با مناعت‌اش، برمتخلف غالب بیاید، مردم احساس عزت می‌کنند، نیروی انتظامی علاوه بر اقتدار ظاهری که باید به دور از خشنونت و تندخویی باشد، باید با برقراری ارتباط صمیمی با مردم، اقتدار معنوی را بیش از پیش تقویت نماید (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸-۲۲۶).

اقتدار فراوان اداره امور پلیسی از صحنه زندگی مردم، مستلزم آن است که مأموران پلیس نماینده غلبه خوبی‌ها بر بدی‌ها باشند (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱). در جای دیگر مقام معظم رهبری پیرامون اقتدار این گونه توضیح می‌دهند:

نیروهای انتظامی که دائماً با مردم سروکار دارند، می‌توانند هم مظهر عظوفت و محبت نظام باشند و هم مظهر تدبیر و مدیریت آن این دو عامل را در کنار هم رعایت کنید. حرکات و تصرفات شما هم باید نشان‌دهنده عقل و تدبیر و مدیریت نظام باشد (در اسرع وقت مجرم دستگیر شود) و هم باید مظهر عظوفت و ترحم و محبت و داد معلوم باشد که مأمور دولتی با کسی نظر شخصی و عناد ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۳۰).

1. Community policing

2. Bentz, 1995, p.14

در سنوات اخیر پلیس برای کارآیی، اثربخشی و بهره‌وری خود در جامعه و توسعه آن در عرصه‌های مختلف گام‌های مؤثری را برداشته است. بی‌تردید موفقیت پلیس در گرو اقبال جامعه از پلیس است تا جایی که در انجام امور پلیسی مشارکت داشته و بر عملکرد آن نظارت نمایند، راه‌اندازی مراکزی همچون، مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ و دفتر نظارت همگانی پلیس (۱۹۷)، ایجاد پلیس محله، زمینه بسیار مناسبی را فراهم ساخت تا مفهوم و رویکرد پلیس جامعه‌محور وارد ادبیات پلیس ایران شود. در همین راستا اولین کسی که اهمیت و جایگاه رویکرد پلیس جامعه‌محور را در ایران بیان کرد، فرمانده وقت نیروی انتظامی، سرتیپ پاسدار دکتر قالیباف در سال ۱۳۸۰ بود؛ او چنین بیان می‌کند: «ما باید در نیروی انتظامی برنامه‌هایمان را بر اساس جامعه‌محوری تنظیم کنیم» (۱۳۸۰، ص ۵۳). یا در جای دیگر بیان می‌دارد: «ما ناگزیریم در برقراری امنیت، مردم را دخیل و آنان را ناظر بر عملکرد خود نماییم، به‌شکلی که رییس کلانتری بداند که در محدوده مسئولیت وی افرادی هستند که به‌دقت عملکرد او را زیر نظر دارند و در صورت کوتاهی در انجام وظایف موجبات عزل او را فراهم خواهند ساخت» (۱۳۸۰، ص ۵۵).

هدف پلیس جامعه‌محور، رضایت جامعه و مردم می‌باشد؛ شرط لازم برای پلیس جامعه‌محور، اقتدار و انضباط است. یک پلیس جامعه‌محور باید ارتباط منظم و همه‌جانبه با مردم داشته باشد. پلیس جامعه‌محور یعنی مردم، پلیس خود و همکار ما باشند.

سرتیپ پاسدار دکتر احمدی مقدم، فرماندهی ناجا نیز به این امر توجه داشته به‌طوری که در جایی می‌فرمایند: «پلیس جامعه‌محور یا پلیس اجتماعی باید سازمانی باشد که مطالبات مردم را ارزیابی کند و نسبت به آن مطالبات پاسخگو باشد، نتایج اقدامات خود را مجدد ارزیابی و رفتار خود را اصلاح نماید. این پلیس امین و اهل مدارا با مردم خواهد بود» (احمدی مقدم، ۱۳۸۴، ص ۷۴).

با بررسی اجمالی ادبیات پلیس مشخص می‌شود که دو رویکرد عمده در مدیریت امور پلیسی وجود دارد که عبارت‌اند از: رویکرد سنتی (واکنشی) و رویکرد پلیس جامعه‌محور (بازدارندگی - پیشگیری‌کننده). ارائه خدمات پلیس در جوامع مختلف با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، ارزش و ساختار حکومت‌ها از یک شیوه واحد و جهان‌شمول و نمونه پذیرفته‌شده‌ای پیروی نمی‌کنند. با این وجود، با توجه به تحولات وسیعی که در عرصه‌های مختلف در سطح جهان به‌وقوع پیوسته است، سازمان و واحدهای مختلف پلیس نیز دستخوش اصلاحات و تغییر و تحول قرار گرفته است.

چارچوب نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی پلیس‌جامعه محور: از اولین روزهای ظهور پلیس‌جامعه‌محور^۱ تاکنون این مفهوم، در قالب دو عنصر اصلی یعنی مشارکت مردمی و حل مشکل تعریف شده است (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۴۶۵). اصول کلی و راهبرد پلیس‌جامعه‌محور به هیچ وجه معتقد نیست که افراد پلیس باید به مددکاران اجتماعی تبدیل شوند، بلکه بر عکس معتقد است آنانی که قوانین کیفری را نقض می‌کنند باید به مجازات برسند. تعریف پلیس‌جامعه‌محور همان چیزی است که مردم و پلیس یک منطقه خاص به دنبال آن هستند. پلیس‌جامعه‌محور جوهره امور پلیس است (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۴۰۶-۴۰۷). پلیس‌جامعه‌محور مفهومی است که از بسیاری جنبه‌ها نیاز به تعریف دارد. اما گسترده‌ترین دامنه، جوهره و عصاره امور پلیس را شامل می‌شود و آن عبارت است از نوعی ارتباط بین عموم مردم و سازمان پلیس (به عنوان نمایندگان مردم) که موجب ارتقاء رفاه جامعه می‌شود (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، به نقل از تورمن، زائو، گیاکومازی، ۲۰۰۱). پلیس‌جامعه‌محور چیزی به مراتب فراتر از چینش نیروی پلیس در خیابان‌ها، اعزام گشت پیاده یا گشت با دوچرخه است. پلیس‌جامعه‌محور یک مکتب جامعه‌فکری، روش مدیریتی و راهبرد سازمانی است که همه عوامل پلیس را در بر می‌گیرد و شیوه‌های مؤثر حل مشکل و مشارکت پلیس و جامعه را ارتقاء می‌بخشد (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵ به نقل از گلداشتاين، ۲۰۰۱؛ اورتمایر، ۱۹۹۶، ۲۰۰۲؛ پارکسر، ۱۹۹۳؛ پیک و گلنسو، ۲۰۰۲؛ اسکول نیک، ۱۹۹۴). پلیس‌جامعه‌محور، شیوه‌های جدید به‌کارگیری پلیس، تجدید حیات جامعه، حل مشکل، گرایش خدمتگزاری به مردم و کسب مشروعیت پلیس از طریق جلب اعتماد عمومی را داراست (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱ به‌نقل از مرکز تحقیقات روسای پلیس، ۱۹۹۶). رویکرد پلیس‌جامعه‌محور یک فلسفه است. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنان و پیدا کردن راه‌حل‌هایی که مشکل را به‌طور دایم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، بر می‌انگیزد. (ترویانوویچ، رابرت، باکوروکی و بانی، ۱۳۸۳، ص ۳).

سیگریو^۲ (۱۹۹۶، ص ۱) بر این عقیده است که اگر چه موضوع اداره امور پلیسی

۱. در بعضی متون به جای پلیس‌جامعه‌محور از اصلاح «اداره امور پلیسی جامعه‌محور» یا «جامعه‌گرا» (Community Policing) به‌کار می‌برند.

2. Seagrave, 1996, p.1

جامعه‌گرا برای حدود ۱۰ سال مورد علاقه دانشگاهیان بوده است، اما هنوز هم در مورد ماهیت آن بحث و سردرگمی وجود دارد. هم دانشگاهیان و هم مجریان رضایت داده‌اند که آن را یک مفهوم غیرملموس، سیال و مبهم تلقی کنند و در نتیجه نتوانسته‌اند به یک تعریف مشترک دست پیدا کنند (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۴۶). پس از ناکارآمدی و شکست پلیس تهدیدمحور، به دلیل نگاه سخت‌افزاری به امنیت منجر به فرار وی از دوران و مدل تهدیدمحور به طلایه رویکرد پلیس جامعه‌محور یا مشارکت‌گرا گردید.

فردمن (۱۹۹۰)^۱ از جمله کسانی است که تعریف به‌نسبت جامعی را از پلیس جامعه‌محور ارائه داده است. او پلیس جامعه‌محور را چنین تعریف کرده است:

راهبرد و خط مشی، با اهداف دست‌یابی به کنترل مؤثر کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت (جرم)، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به نام جامعه که در صدد تغییر شرایط جرم‌خیز هستند. این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن، فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مردم است (تریانوویچ، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

اسکوگان (۱۹۹۰)^۲ می‌گوید که تعریف عملیاتی پلیس جامعه‌محور عبارت است از: «برقراری نظم، پیشگیری از جرم، حل مشکل، درگیری اجتماعی و مشارکت است» (بریان، ۲۰۰۷، ص ۶). در ادامه تعاریف، برخی از مفاهیمی که در نظریه پلیس جامعه‌محور نقش اساسی و کلیدی ایفا می‌کنند در اینجا مطرح می‌شوند.

ویژگی‌های پلیس جامعه‌محور: پلیس جامعه‌محور دارای ویژگی‌های متنوعی است که آن را با رویکرد پلیس واکنش‌گرا متمایز می‌سازد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مشارکت اجتماعی، مشارکت پلیس، حل مسأله، به‌حساب آوردن مردم در برآوردهای امنیتی و انتظامی به‌منظور پیشگیری از وقوع جرایم. در اینجا به برخی از مفاهیم کلیدی پلیس جامعه‌محور پرداخته شده است.

■ **جامعه:** نیروهای پلیس از کلمه جامعه برای توصیف افرادی که به هر نحو دچار مشکلات خاص شده و به آنها می‌پردازند یا از برنامه‌های در دست اجرا در پاسخ به آن مشکلات، استفاده می‌کنند. جامعه گروهی از مردم ساکن یک محل و بحث یک حکومت، اشاره به یک گروه یا طبقه اجتماعی با منافع مشترک و در یک منطقه جغرافیایی که پلیس و

1. Friedman, 1990

2. Skogan

سازمان‌های مختلف در آن خدمات ارائه می‌دهند، دچار مشکل خاصی هستند که پلیس به آنها می‌پردازد؛ دارای احساس یکپارچگی تداعی‌کننده اندیشه‌های مثبت و منفی است و تداعی‌کننده گروهی از مردم با یک تاریخ مشترک، باورها و فهم‌های مشترک احساس خود هستند (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۷۱-۷۲؛ گلدشتاین، ۱۹۹۰، ص ۲۵؛ مینینگ، ۱۹۹۱، ص ۳۳؛ سیگروبو، ۱۹۹۶، ص ۳؛ کلوکارز، ۱۹۹۱، ص ۲۴۷-۲۴۸).

■ **حل مسأله (مشکل):** حل مسأله یعنی فرایند برنامه‌ریزی جامعی برای انتقال از وضع نابسامان موجود به شرایط دلخواه و مورد نظر. حل مشکل شامل ایجاد و کشف راه‌حل‌ها است و تصمیمات بی‌شماری را طلب می‌کند. پیشگیری از تعمیم و رشد مشکل نیز به نوبه خود نوعی حل مشکل است. به عبارت دیگر، حل مشکل استفاده از فرایندها، رویکردها، روش‌ها، دستورالعمل‌ها، فنون، راهبردها، سیاست‌ها، دستاوردهای فناوری و ساختارها به‌عنوان پلیس سنتی ابزاری برای اقدام سازنده و اصلاحی است (مموری، ۲۰۰۱، ص ۲۱۳-۲۲۸؛ میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹).

■ **مشارکت اجتماعی:** مشارکت اجتماعی به معنی پذیرش یک دورنمای اداره امور پلیس است که تاکیدهایی روی استانداردهای اعمال قانون را ارائه می‌کند. هم‌اکنون بخش وسیعی از پلیس در سطح بین‌الملل دریافته است که از آنها انتظار می‌رود تلاش‌های محله را هدایت کنند، از آنها می‌خواهند که مسئولیت بسیج کردن افراد و سازمان‌ها را برای پیشگیری از جرایم به عهده بگیرند و لازم است از طریق ساختارهای سازمانی جدید و آموزش به مأموران پلیس، تمام این فعالیت‌ها حمایت شوند. هدف پلیس جامعه‌محور این است که در میان ساکنان محله اعتماد ایجاد کند و اطمینان حاصل کند که افرادی که مالیات می‌دهند از پلیس حمایت می‌کنند. یکی از نتایج مهم مشارکت شهروندان این است که به‌کارگیری رویکرد پلیس جامعه‌محور فقط موجب گسترش اختیارات پلیس می‌شود (دفتر مساعدت‌های قضایی، ۱۹۹۴، ص ۳۴؛ ویزبرد و براگا، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۶۶؛ موی و فو، ۲۰۰۰، ص ۲۱۳).

1. Goldstein, 1990, p. 25

2. Manning, 1991, p.33

3. Klockars, 1991, p.247-248

4. Memory, 2001, p.228-218

5. Bureau of Justice Assistance, 1994, p.34

6. Moy and Pafu, 2000, p.13

■ **جامعه‌گرایی پلیس:** بر اساس بررسی‌هایی که در ادبیات پلیسی و مطالعات تطبیقی صورت گرفت، مشخص شد که مفهوم جامعه‌گرایی پلیس از یک تعریف جامعی برخوردار نیست. درعین حال، جامعه‌گرایی پلیس مجموعه‌ای از طرح‌های تاکتیکی مشخص نیست؛ یعنی تعهد به تمرکز فرایر- با گرایش حل مشکل که نیازمند جوابگو بودن پلیس به درخواست‌های شهروندان بعد از شناسایی مشکلات محلی و تعیین اولویت‌ها است. مفهوم جامعه‌گرایی پلیس مربوط به توسعه مشارکت‌هایی است که منابع و امکانات لازم را برای حل مشکلات و کاهش جرایم درکنار هم قرار می‌دهد. پلیس جامعه‌گرا در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای تلاش هماهنگی برای درکنار هم قرار دادن پلیس و حوزه استحقاقی یعنی جامعه است. اداره امور پلیسی جامعه‌گرا چه آن را یک فلسفه، یک راهبرد یا الگوی فکری (پارادایم) بدانیم، مجموعه پیچیده‌ای از افکار و اندیشه‌ها است. و همچنین، پلیس جامعه‌گرا یعنی اعتقاد یا قصد پلیس مبنی بر مشورت با مردم یا حساب کردن روی مردم در امور پلیسی. و بالاخره پلیس جامعه‌گرا، انسانی کردن و انسان محوری شدن امور پلیسی و انتظامات جامعه است (بریانت، ۲۰۰۷، ص ۱؛ وگهن، ۱۹۹۱، ص ۳۵؛^۱ مستروفسکی، ۱۹۹۳، ص ۶۵؛^۲ کلینگ، ۱۹۹۴، ص ۳؛^۳ هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۵۰؛ ونگ، ۲۰۰۷، ص ۹؛^۴ اولیور و بارتگیس، ۱۹۹۸، ص ۴۹۰-۵۰۹؛^۵ گوری، ۲۰۰۳، ص ۶۰۰).

■ **پلیس:** ریشه واژه پلیس یونانی است که به دژ یا مرکز دولت دولت- شهر در یونان باستان اطلاق می‌شد. در اعصار نوین، پلیس به معنای هر گونه برنامه‌ریزی برای بهبود و یا سامان‌دهی زندگی اجتماعی بود. اما بعدها واژه پلیس با مقررات و اداره یک شهر و یا کشور در ارتباط با ساکنان آن در هم آمیخت. امروزه، واژه پلیس در سراسر دنیا دارای معنای خاص و واحدی می‌باشد (هابرفیلد، ۱۳۸۶، ص ۲۶). ونگ (۲۰۰۸)^۶ تعریف دیگری از واژه پلیس ارائه کرده است: «پلیس عبارت از یک عامل ذخیره یا

1. Bryant, 2007, p.1

2. Vaugnan, 1991, p.35

3. Mostrofski, 1993, p.65

4. Kliny, 1994, p.3

5. Wong, 2007, p.9

6. Olivev& Bartis, 1998, p.490-509

7. Gowri, 2003, p.600

8. Wong, 2008

هماهنگ‌کننده منابع اجتماعی است. پلیس یک حلال اضطراری است که حق دارد در راه حل مسایل مردم در دوران صلح و در حوزه داخلی از منابع قانونی و مجاز بهره بگیرد (ص ۸). پس واژه پلیس در اصل به وظایف عمومی و کلی دولت مدنی اشاره می‌کند: «برای مثال پاسبان قرن هفدهم به یک سری وظایف اداری روستا رسیدگی می‌کرد. ولی بعدها کلمه پلیس را در اروپا خاص پیشگیری از جرایم و حفظ نظم به کار بردند» (رینفر، ۱۳۸۳، ص ۶۲-۶۱).

■ دوره‌های ادارهٔ امور پلیسی: سه دوره ادارهٔ امور پلیسی عبارت از: دورهٔ سیاسی، دورهٔ

اصلاحات و دورهٔ جامعه‌گرایی. که به‌طور اختصار به‌شرح زیر بدان می‌پردازیم.

۱. دورهٔ سیاسی: دورهٔ سیاسی تاریخ اول قرن بیستم ادامه یافت و زمانی بود که ادارات پلیس در حال شکل‌گیری بودند. در این دوره پلیس پیوند نزدیکی با سیاست داشت. در این دوره انتصاب روسای پلیس با انگیزه‌های سیاسی و به‌منظور حفظ منصوب‌کنندگان در جایگاه‌های قدرت صورت می‌گرفت. عدم کفایت و فساد پلیس منجر به آغاز دورهٔ دوم ادارهٔ امور پلیسی، یعنی دوره اصلاحات شد (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

۲. دورهٔ حرفه‌گرایی (اصلاحات): به‌طور معمول به آگست ولمر^۱ و او. دبلیو ویلسون^۲ که به عنوان پیشگامان حرکت اصلاحی، خواستار تغییر جدی در شیوه سازماندهی و کارکرد ادارات پلیس بودند اشاره می‌شود. به این دوره اغلب دوره پیشرو یا مترقی^۳ نیز می‌گویند. تغییر اساسی در این دوره تفکیک ادارهٔ امور پلیسی از سیاست بود. رابطه میان پلیس و مردم هم در دوره اصلاحات تغییر کرد (کلنیک و مور، ۱۹۹۱، ص ۱۲).

۳. دورهٔ پلیس جامعه‌محور (جامعه‌گرایی): جامعه‌خواهان بازدارنده بودن پلیس است، شهروندان می‌خواهند که پلیس علاوه بر بازداشت مجرمان پس از وقوع جرم، برای جلوگیری از وقوع جرم هم تلاش کنند. در دوره جامعه‌گرایی پلیس در پی برقراری مجدد یک رابطه نزدیک با جامعه بود. ابداع این نظریه بیشتر به رابرت ترویانویچ^۴ اشتها دارد که طی دهه ۱۹۶۰ به رهبری پاتریک مورفی رییس پلیس شهر نیویورک، در حال انجام بود. در ۲۵ سال آخر قرن بیستم بسیاری از کارگزاران پلیس به این نتیجه رسیدند که انجام امور پلیس به شیوه واکنشی و سنتی (حتی در شکل حرفه‌ای آن) برای مهار جرم و

1. Auyt Tvallmr

2. O. W. Wilson

3. Progressive

4. Robert Ttervonozhovich, 1960

کاهش ترس ناشی از آن سازوکار مناسبی نیست. بعد از آنکه پلیس به این باور دست یافت که حمایت و تشریک مساعی برای پیشگیری و مهار جرایم و بی‌نظمی‌ها، ضروری است، پلیس جامعه‌محور به عنوان جایگزین ماندگار پلیس سنتی، قدم به عرصه وجود گذاشت. به‌رحال پلیس جامعه‌محور، انقلابی است که راه‌حل‌های جدیدی بر مسایل متمادی مطرح می‌کند. عناصری که پلیس جامعه‌محور را بنا می‌نهند، یک تمایل جهانی است و به سرعت رشد می‌کند. بسیاری روسای پلیس جامعه‌محور، مشاورین در سراسر دنیا هستند. این فراتر از یک طرح عمل یا روش است. در عوض حاوی فرایند تفکری جدید در باب چگونگی عملکرد و تفکر در جامعه است (هس و میلر، ۱۳۸۲، ص ۴۴-۳۹؛ میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۳۹۱-۴۰۰؛ چو، ۱۳۸۵، ص ۶۵-۵۸؛ هابرفیلد، ۱۳۸۶، ص ۴۶۵؛ ورسخواه، ۲۰۰۴، ص ۹-۱۰).

منظور و اهداف پلیس جامعه‌محور: بی‌تردید حفظ نظم و امنیت در جامعه بر عهده پلیس یک کشور است. اما نکته حایز اهمیتی که می‌بایست هم مورد توجه دولت مردان، فرماندهان ارشد پلیس و تمام کارکنان به‌ویژه نیروهای خط‌مقدم قرار گیرد، این است که قدرت واقعی در دست مردم است و چنانچه مردم اموری را اداره کنند، آن امر تحقق پیدا خواهد کرد، و مطلب دیگر آنکه بستر و خاستگاه اصلی پلیس جامعه‌محور، مردم است. لذا پلیس با هماهنگی، مشارکت و درگیر شدن مردم در شئون امور پلیس قادر خواهند بود اهداف بلند پلیس جامعه‌محور را در جامعه تحقق ببخشند و آن چیزی نیست جزء پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع جرم، و ارتقاء کیفیت زندگی مردم. بنابراین، منظور و هدف اصلی پلیس جامعه‌محور این است که پلیس با مشارکت جدی، هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده اقداماتی را به‌عمل آورد که جرمی صورت نگیرد؛ به‌عبارتی، کانون‌های جرم‌خیز شناسایی و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. منظور از پلیس جامعه‌محور این نیست که مأمورین را به‌عنوان مراقبین در گوشه و کنار جامعه در همسایگی‌ها به‌نحوی از انحاء قرار دهیم؛ بلکه منظور این است که همکاری پلیس با مردم جامعه و مشارکت مردم در اجرای امور انتظامی بوده و لذا جامعه با این همکاری‌ها قدم‌هایی به نفع خود بر می‌دارد و به علاوه همکاری بین این دو و بسیج کردن منابع در حل مسایل مربوط به امنیت عمومی مؤثر است و نه فقط رسیدگی به مسایل مقطعی و جزئی که فی‌المثل پلیس از راه می‌رسد و

مسئله را بر طرف می‌کند. که البته اجرای این وظیفه هم به عهده پلیس می‌باشد. صاحب‌نظران عقیده دارند تعریف ساده پلیس جامعه‌محور این ایده است که روابط پلیس - شهروند مزایای امنیتی عمومی دارد اما توانایی پلیس جامعه‌محور در رسیدن به هدفش کمتر امتحان شده است (بریانت^۱، ۲۰۰۷، ص ۳-۴ به نقل از هارکورت، ۱۹۹۸؛ سادو گرنیگ، ۱۹۹۶؛ تورمن، زائو و جیانگومازی، ۲۰۰۱). از طرفی تحقیقاتی که نظریه پلیس جامعه‌محور را پشتیبانی می‌کنند حاکی از آن است که هنوز درباره اهداف، اندازه مسئولیت‌ها و معیار تخمین بین الگوی پلیس سنتی و الگوی پلیس جامعه‌محور میان صاحب‌نظران، جرم‌شناسان، قانون‌گذاران و کارکنان عدالت کیفری اختلاف وجود دارد. زو، فیلدر و فلمینگ (۲۰۰۵، ص ۱۴۷-۱۸۶)^۲ بر این باوراند که پلیس جامعه‌محور آن‌طور که صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان تجسم می‌کنند و پلیس جامعه‌محور آن‌طور که مراکز پلیس تعریف و عمل می‌کند اختلاف وجود دارد. یافته‌های بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که این مجادله‌ها تفاوت بنیادین در اهداف، فرضیه‌ها، اولویت‌ها، اندازه مسئولیت‌ها و معیار تخمین بین الگوی پلیس سنتی و پلیس جامعه‌محور را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، پلیس سنتی را می‌توان بررسی و بازداشت مجرمان تعریف کرد در حالی که پلیس جامعه‌محور را می‌توان شریک‌شدن و مشارکت اجتماعی و حل مشکلات برای بهبود کیفیت زندگی تعریف کرد. پلیس جامعه‌محور شامل افزایش اختیار در افسران است. اگر قرار باشد افسران نسبت به نگرانی‌های محله جوابگو باشند و در محله اعتماد ایجاد کنند، برای انجام کارشان، نیاز دارند تا از اختیارات بیشتری برخوردار باشند. این اختیار افزوده افسران می‌تواند موجب رابطه‌ای هماهنگ‌تر بین پلیس و محله شود و به افسران پلیس این امکان را می‌دهد تا با شهروندان وارد رابطه‌ای شخصی و با گرایش حل مشکل شوند. کینگ و لب ادعا می‌کنند که، در محدوده‌ای معقول، افسران مأمور خط مقدم کلانتری، بایستی این انعطاف را داشته باشند که مشکلات را آن طوری که باور می‌کنند مؤثرتر است حل کنند، نه اینکه تابع مجموعه‌ای از قوانین و فرایندهای خشک باشند (به طور مثال اینکه بگویند مأمور هستند و معذور). از افسران خواسته می‌شود تا بدون بازداشت کردن در حل مشکلات محله خلاق باشند، درعمل، این کار نیازمند تمرکز زدایی سازمانی، تغییر مکان منابع محدود و سلسله مراتب است.

1. Bryant, 2007

2. Xu, Fielder & Flaming, 2005, p.147-186

چنانچه سازمان‌های پلیسی بخواهند با ساختارهای سنتی امور را دنبال کنند به چشم‌اندازهای پلیس‌جامعه‌محور نخواهند رسید. جامعه‌محوری پلیس بر سهیم‌شدن قدرت تصمیم‌گیری پلیس با جامعه تأکید دارد. پلیس‌مسأله‌محور به دنبال حفظ قدرت تصمیم‌گیری نهایی برای پلیس است. پلیس‌جامعه‌محور، نقش پلیس را به مسایل اجتماعی پیشرفته گسترش می‌دهد، مانند ترویج هم‌زیستی صلح‌آمیز و افزایش کیفیت زندگی در محله و به دنبال آن کاهش یافتن جرم، پلیس‌جامعه‌محور و تأکید آن بر بهبود رابطه کلی پلیس با جامعه منجر به این عقیده شده است که پلیس با استفاده از روش‌شناسی مسأله‌محور می‌تواند در کارهای خود مؤثرتر باشد.

پلیس‌جامعه‌محور در عرصه عمل: در استرالیا مراقبت از محله نشان‌دهنده واضح‌ترین و قابل توجه‌ترین تلاش بر عهده گرفته شده توسط پلیس می‌باشد تا جلوگیری از جرم وابسته به جامعه را توسعه دهد. باید با صراحت گزارش کرد که هر جایی که مراقبت از محله در استرالیا امتحان شده است، به هدف معین خود یعنی پایین آوردن وقوع سرقت نایل شده است. در مورد ایالات متحده میزان شکستن و داخل رفتن، در حدود ۳۰ درصد و میزان جرم به‌طور معمول در حدود ۱۸ درصد پایین آمده است (بیلی، ۱۹۸۶، ص ۸).^۱ باید با صراحت گزارش کرد که هر جایی که مراقبت از محله در استرالیا امتحان شده است، به هدف معین خود یعنی پایین آوردن وقوع سرقت، نایل شده است. برخلاف ژاپن و ایالات متحده، مراقبت از محله در استرالیا به عنوان تخته پرش به منظور توسعه گشت‌های غیرنظامی جلوگیری از جرم به‌کار رفته است (وروایی، ۱۳۸۴، ص ۸-۷).

نتایج تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که خاستگاه اصلی نظریه و رویکرد پلیس‌جامعه‌محور در آمریکا بوده است و بیشترین تحقیقات و مطالعات در فرآیند و چگونگی عملیاتی‌شدن این تئوری را به خود اختصاص داده است. صرف نظر از اینکه پلیس‌جامعه‌محور را با دیدگاه فلسفی و یا به عنوان یک راهبرد برای اصلاح امور پلیسی در نظر بگیریم، نتایج تحقیقات در جهان به ویژه در سطح گسترده و متعهد در آمریکا پیش‌فرض‌های پلیس‌جامعه‌محور را مورد تایید قرار داده است. بنابراین، نظریه فوق به‌وسیله تجربیات و آزمون‌های مختلف مورد پشتیبانی مناسب قرار گرفته است. همان‌طوری که اشاره شد تحقیقات گسترده‌ای طی ۲۵ سال در آمریکا در خصوص

تبیین مفهوم و عملیاتی شده پلیس جامعه‌محور پژوهشگران دانشگاهی و هم به‌وسیله محققین پلیس انجام گرفته که سهم قابل توجهی در توسعه ادبیات مکتوب در این عرصه را ایفا کرده است. به هر حال پلیس جامعه‌محور، فلسفه‌ای است که در کشور آمریکا (ایالت فلوریدا) با موفقیت کامل به اجرا در آمده است. تحقیقات نشان می‌دهند که نهادها و موسسات دولتی و پلیس و مجری قانون با معرفی پلیس جامعه‌محور از مزایای بسیاری برخوردار شده اند (کلیفورد، ۱۹۹۳، ص ۱).

در ایالات متحده پلیس جامعه‌محور به عنوان انقلابی غیرجنجالی در جست‌وجوی به رسمیت شناساندن خود بود (وونگ، ۲۰۰۰).^۱ و این نهضت (پلیس جامعه‌محور) در دهه ۱۹۹۰ بلوغ یافته است، که البته رایج‌ترین چالش‌هایی که بر سر راه آن وجود داشته است، محدودیت منابع و تغییر فرهنگ سازمانی بوده است (ماستروفسکی، ۲۰۰۷، ص ۲۳۳-۲۳۲).^۲ در حالی که پلیس جامعه‌محور را انقلابی غیرجنجالی خوانده‌اند، اتخاذ روش‌های آن بسیار جنجالی بوده است. رابرت^۳ و بونی^۴ این انقلاب را با حمایت توده‌های انبوه مردم همراه انگاشته‌اند. محققان با مطالعاتی که در خصوص پلیس جامعه‌محور انجام داده‌اند مهر تأییدی بر این حمایت عمومی زده‌اند. آنان نقش واسطه‌ها و دلالت در مبادلات عمومی و مباحث خصوصی راجع به اجرای برنامه و سیاست‌های حاکم بر این ایده را ایفا کرده‌اند (وونگ، ۲۰۰۸، ص ۲). پلیس جامعه‌محور در آمریکا به الگوی جدید این تخصص تبدیل شده است. این الگو که هم بلندپروازانه و هم مبهم است، تعهد می‌کند که از طریق پرداختن به مشکلات اصلی جامعه و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی همسایگان، رابطه بین پلیس و مردم را به‌طور جدی تغییر دهد. یک علت محبوبیت آن این است که پلیس جامعه‌محور مفهومی انعطاف‌پذیر است و مفاهیم متفاوتی برای مردم دارد.

الیسون (۲۰۰۶)^۵ بر اساس نتایج حاصل از مطالعات خود بر این باور است که از میان تمام مسایل مربوط به پلیس جامعه‌محور، مسایل مربوط به افسران، جدی‌ترین انواع آن هستند که باید بر آنها غلبه کرد. (ص ۱۲).

اسکوگان (۲۰۰۶) پلیس جامعه‌محور در شیکاگو را چنین معرفی می‌کند: در شیکاگو

1. Wong, 2008

2. Mastrofski, 2007, pp. 232-233

3. Robert

4. Bonnie

5. Ellison, 2006, p.12

با استقبال از تئوری پنجره‌های شکسته (شکل دیگری از مدل پلیس جامعه‌محور) یعنی تئوری افت محله، این تئوری بر ارائه شبکه‌ای از داوطلب‌های سازمان‌های اجتماعی و آژانس‌های خدمات شهری برای کمک به تعمیر پنجره‌ها می‌پردازند و نه دستگیری افراد (ص ۳). بلیر (۲۰۰۲)^۱، براتون (۱۹۹۸)^۲، سیلورین (۱۹۹۹)^۳ مشاهده کردند که کارهای پلیس جامعه‌محور در کاهش آمار جرایم جدی بسیار تأثیرگذار بوده است. کارمن (۲۰۰۲)^۴ کاهش جرم در شهر نیویورک را به تاکتیک‌های پلیس در غالب پلیس جامعه‌محور نسبت داد (بریانت، ۲۰۰۷، ص ۳۳-۳۴).

آغاز امور پلیس جامعه‌محور در شیکاگو نشان دهنده برخی راه‌ها برای مشارکت شهروندان است و از زمان شروع آن، مشارکت شهروندان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موفقیت‌ها تلقی شده است (رنو، ۲۰۰۰، ص ۲۸)^۵. جیسلو و پارسون (۲۰۰۰)^۶ پلیس جامعه‌محور را طرح خوبی می‌دانستند که هم برای جامعه و هم برای پلیس مثمرتر است. نویسندگان هم چنین دریافتند که پلیس جامعه‌محور به سمت بستری بزرگ برای حفظ صلح جامعه اتکا یافت (بریانت، ۲۰۰۷، ص ۳۴). بلومستاین و والمن (۲۰۰۰)^۷ در تحلیل کاهش جرم در آمریکا در سال ۱۹۹۰، متوجه شدند که در طی این دوره کاهش جرم در آمریکا به خاطر عوامل زیادی بوده است؛ از جمله مشارکت جدید پلیس و جامعه (بریانت، ۲۰۰۷، ص ۳۶-۳۷).

در اوتاوا پایتخت کانادا، شورای پیشگیری از جرم این شهر برای مبارزه با مسائل جنایی خاص، اقدام به تشکیل پنج نیروی ویژه داوطلب کرده است؛ یکی از نیروهای ویژه وظیفه دارد که میزان ارتکاب جرم را در بلوک‌های مسکونی بلندمرتبه استیجاری کاهش دهد (وروایی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). همچنین ساکنان محلی به‌عنوان بخشی از یک برنامه مراقبت روستایی در برابر ارتکاب جرم، هم در خلال کارهای عادی خود و هم به‌عنوان فعالیتی جداگانه، به گشت‌زنی در مناطق روستایی می‌پردازند. کشاورزان برای گشت‌زنی از زمین‌های وسیع کشاورزی خود، از وسایل نقلیه‌ای مانند هواپیماهای سبک استفاده

1. Blair, 2006

2. Bratton, 1998

3. Silverman, 1999

4. Karmen, 2002

5. Reno, 2002, p.28

6. Jesilow and Parsons, 2000

7. Blumstein and Wallman, 2000

می‌نمایند. کارمندان محلی گشت‌زنی و مراقبت را به‌عنوان بخشی از کار عادی خود تلقی کرده و در صورت وجود هر گونه وسیله نقلیه، فرد و یا حادثه مشکوک، به‌طور معمول با استفاده از رادیوهای فرستنده، گیرنده، مراتب را گزارش می‌نمایند (وروایی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹).

سیستم کوبان^۱، امنیت و آرامش را به زندگی در محله‌ها هدیه می‌کند. سیستم مزبور که با کیفیت بالا اجرا می‌شود، مرکب است از تعداد به نسبت اندکی از مأموران پلیس، شهروندان بیشتر با کیوسک‌های پلیس محلات و پاسگاه‌ها تماس می‌گیرند تا با دیگر اماکن و دواير پلیس؛ وجود این پاسگاه‌ها و پلیس‌ها احساس امنیت بیشتری به مردم می‌دهد. مأمورین پلیس کوبان همواره در منظر و مریی بوده و اهالی محل اغلب با آنها مشورت می‌کنند و پلیس با دقت و حوصله به درخواست‌های شهروندان پاسخ می‌دهند. سیستم کوبان شهرت جهانی دارد. سنگاپور هم اکنون سیستم مزبور را اقتباس کرده و دیگر کشورهای دنیا هم به زودی از این شیوه و سیستم پیروی خواهند کرد (وروایی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵-۱۲۳).

در سنگاپور پاسگاه‌های پلیس در همسایگی^۲ به‌عنوان یک الگوی پلیس تحت عنوان پلیس جامعه‌محور پذیرفته شده است (وونگ، ۲۰۰۰، ص ۴). امروزه آمار جرایم در سنگاپور پایین است و استانداردهای بین‌المللی هم مؤید این امر هستند. در سنگاپور راهبرد گشت‌زنی پلیس که به واحدهای موتوری سپرده شده بود جای خود را به گشت‌زنی پیاده و در کنار مردم تبدیل کردند احساس می‌شد که پلیس می‌تواند حس حضور و دیده شدن را در مردم ایجاد کند و بدین ترتیب آمار جرایم کمتر شد (وونگ، ۲۰۰۰، ص ۱۲۷-۱۲۶). نیروی پلیس هنگ‌کنگ از پلیس سنتی در پایان دهه ۱۹۶۰ به پلیس مدرن تغییر ماهیت داد. این موضوع بعد از برخورد مستقیم میان مردم در سه بخش شهری بود که منبع اصلی دشمنی عموم با پلیس گردید. این دشمنی بعد از برخورد مستقیم پلیس و مردم شکل گرفت که به سه بخش شهری تقسیم شده بود (بکر و بیکر، ۲۰۰۲، ص ۱۸۳-۱۸۴). طی ۳۲ سال اخیر پلیس جامعه‌محور در هنگ‌کنگ تکامل یافته و در ۷۵ مرحله توسعه یافت که حاوی ۶ طرح پلیس مبتنی بر اجتماع با اهداف متفاوت بود. طرح

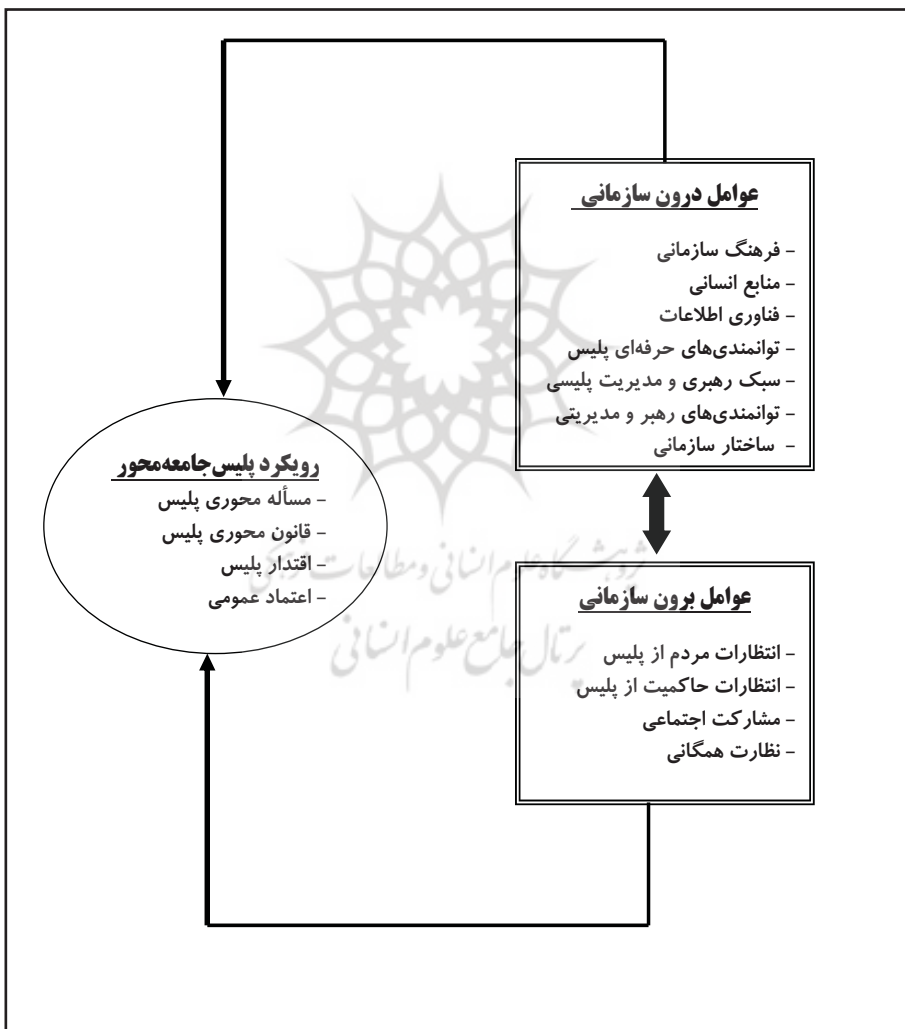
1. Kooban

2. Neighborhood Police Posts (NPP)

3. Becker & Beaker, 2002, pp. 183-184

افسر روابط اجتماعی پلیس، برنامه اجتماعی است که به اعتلای روابط میان پلیس و مردم استوار است. طرح واحد پلیس همجوار معیار کنترل جنایت است، هدف آن از تدارک برای ایجاد آرامش و راحتی برای مردم چیست؟ هدف، ارائه گزارش از فعالیت‌های جنایی و اقدامات پلیسی برای حمایت از مردم در مقابل جنایتکاران است.

نمودار ۱: الگوی (اولیه) تحلیلی پژوهش



روش

نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی از نوع پیمایشی است. پژوهش در سال ۱۳۸۸ در فرماندهی انتظامی استان‌های سراسر کشور و ستاد مرکزی نیروی انتظامی انجام گرفته است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته، حاوی ۱۷۳ سوال است که روایی صوری و محتوایی آن توسط استادان و متخصصین و کارشناسان مربوطه، مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی کل با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده ($\alpha = 0/8614$) و به‌صورت جزئی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. پایایی ۱۷۳ سؤال پرسشنامه در قالب عوامل اصلی و فرعی پژوهش

عوامل اصلی پژوهش	عوامل فرعی	پایایی
عوامل درون‌سازمانی	منابع انسانی	۰/۸۶۲۷
	ساختار سازمانی	۰/۸۰۴۲
	فناوری اطلاعات	۰/۶۷۴۱
	حرفه‌ای بودن پلیس	۰/۸۲۸۸
	سیک رهبری و مدیریت	۰/۷۴۱۹
	توانمندی‌های رهبری و مدیریت	۰/۸۴۶۲
	فرهنگ سازمانی	۰/۶۸۸۲
عوامل برون‌سازمانی	انتظارات مردم از پلیس	۰/۷۳۳۵
	انتظارات حاکمیت	۰/۷۹۵۸
	مشارکت اجتماعی	۰/۹۱۰۰
	نظارت همگانی	۰/۷۸۱۰
رویکرد پلیس جامعه‌محور	مسئله‌محوری پلیس	۰/۹۰۰۴
	اعتماد عمومی	۰/۷۳۱۷
	قانون‌محوری پلیس	۰/۶۸۰۴
	اقتدار پلیس	۰/۶۸۳۸

جامعه آماری شامل کلیه فرماندهان و مدیران عالی ناجا بوده که از بین آنها به روش جدول نمونه‌گیری مورگان، ۱۱۵ نفر انتخاب گردیده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از

آزمون T (یک طرفه)، آزمون کولموگراف و اسمیرونوف، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون کندال تا اوبی با استفاده از نرم افزار SPSS و همچنین برای آزمون مدل تحلیلی پژوهش از نرم افزار لیزر تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. متغیرهای اساسی پژوهش عبارت‌اند از:

الف) عوامل درون‌سازمانی مرتبط با پلیس جامعه محور: منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای بودن پلیس، سبک رهبری پلیس، توانمندی‌های رهبری پلیس، فرهنگ سازمانی؛

ب) عوامل برون‌سازمانی: انتظارات مردم از پلیس، انتظارات حاکمیت از پلیس، مشارکت اجتماعی و نظارت همگانی؛

ج) متغیر وابسته: از رویکرد پلیس جامعه‌محور که مولفه‌های آن نیز شامل مسأله‌محوری پلیس، اعتماد عمومی، قانون‌محوری پلیس و اقتدار پلیس می‌باشد.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش شامل نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی می‌باشد که به اختصار در جدول ۲ و ۳ ارائه شده‌اند.

الف - فرضیه‌های اصلی:

جدول ۲. نتایج آزمون همبستگی پیرسون - فرضیه‌های اصلی پژوهش

فرضیه‌ها	تعداد	ضریب پیرسون	ضریب تشخیص	کندال تا اوبی	سطح معناداری
بین عوامل عمده درون‌سازمانی مرتبط با رویکرد پلیس جامعه‌محور درایران رابطه معناداری وجود دارد	۱۱۵	۰/۴۳۴	۰/۱۸۸	۰/۴۳۴	۰/۰۰۰
بین عوامل عمده برون‌سازمانی مرتبط با رویکرد پلیس جامعه‌محور درایران رابطه معناداری وجود دارد	۱۱۵	۰/۶۶۳	۰/۴۳۹	۰/۵۳۶	۰/۰۰۰
بین عوامل عمده درون‌سازمانی مرتبط با پلیس جامعه‌محور و عوامل برون‌سازمانی مرتبط رابطه معناداری وجود دارد	۱۱۵	۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۰/۳۵۴	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری (۰/۰۰۰) فرضیه اول کوچک‌تر از ۵٪ است و مقدار ضریب پیرسون ۰/۴۳۴ می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که بین عوامل درون‌سازمانی و رویکرد

پلیس جامعه‌محور رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد ($0 < R < 1$) و ضریب تشخیص نیز نشان می‌دهد که $0/188$ رویکرد پلیس جامعه‌محور تحت تأثیر تغییرات عوامل درون‌سازمانی است. توجه به اینکه سطح معناداری ($0/000$) فرضیه دوم کوچک‌تر از 5% است، رابطه معناداری بین پلیس جامعه‌محور و عوامل برون‌سازمانی دیده می‌شود و چون مقدار پیرسون $0/439$ است ($0 < 0/439 < 1$) نتیجه می‌گیریم که بین دو متغیر عوامل برون‌سازمانی و رویکرد پلیس جامعه‌محور رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد. ضریب تشخیص نیز $0/439$ نشان می‌دهد که $0/439$ پلیس جامعه‌محور ناشی از تأثیرات عوامل برون‌سازمانی است. براساس نتایج ضریب کندال تاوبی $0/536$ بزرگ‌تر از $0/2$ می‌باشد. رابطه مستقیم دو متغیر عوامل درون‌سازمانی و رویکرد پلیس جامعه‌محور را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه سطح معناداری ($0/000$) فرضیه سوم کوچک‌تر از 5% است، مبین وجود رابطه معنادار بین دو متغیر است. براساس مقدار ضریب پیرسون $0/532$ این نتیجه حاصل می‌شود که بین متغیر عوامل درون‌سازمانی مرتبط با پلیس جامعه‌محور و عوامل برون‌سازمانی مرتبط با پلیس جامعه‌محور رابطه مستقیم و ناقص وجود دارد. همچنین ضریب تشخیص $0/283$ نشان می‌دهد که تغییرات عوامل برون‌سازمانی ناشی از تغییرات عوامل درون‌سازمانی است.

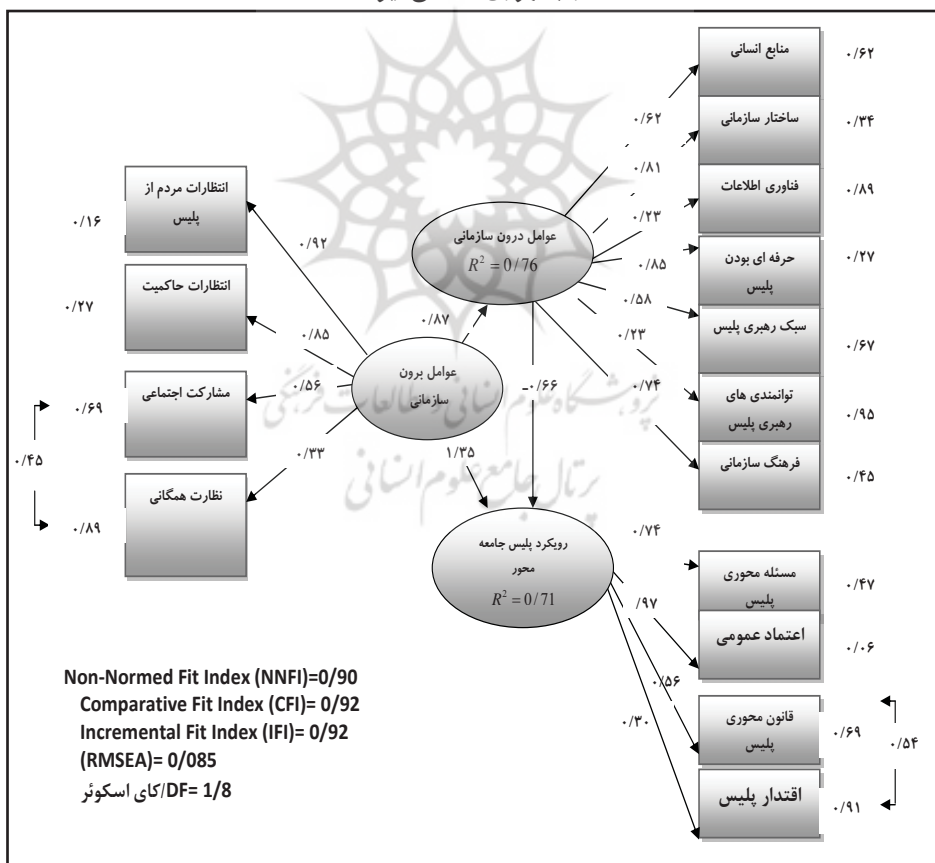
ب- نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی:

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون- فرضیه‌های فرعی پژوهش

تعداد	ضریب پیرسون	ضریب تشخیص	کندال تاوبی	سطح معناداری
۱۱۵	۰/۳۴۰	۰/۱۱۸	۰/۳۴۴	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۳۴۴	۰/۰۵۹	۰/۲۴۵	۰/۰۰۹
۱۱۵	۰/۴۵۴	۰/۲۰۶	۰/۴۰۰	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۵۲۸	۰/۲۷۸	۰/۵۰۳	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۳۲۸	۰/۱۰۷	۰/۳۰۲	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۳۸۸	۰/۱۳۹	۰/۳۷۳	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۳۶۳	۰/۱۳۱	۰/۳۷۷	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۴۷۱	۰/۲۲۱	۰/۵۲۹	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۶۵۷	۰/۴۳۱	۰/۵۵۲	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۳۹۶	۰/۱۵۶	۰/۳۳۰	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۸۳۰	۰/۶۸۸	۰/۶۹۵	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۹۵۱	۰/۹۰۴	۰/۷۲۴	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۸۸۶	۰/۷۸۶	۰/۶۵۱	۰/۰۰۰
۱۱۵	۰/۸۶۳	۰/۴۶۶	۰/۶۸۳	۰/۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری (۰/۰۰۰) فرضیه‌های فرعی پانزده‌گانه کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، حاکی از ارتباط معنادار مستقیم ناقص، متغیرهای فرضیه‌های فرعی پژوهش با رویکرد پلیس جامعه‌محور می‌باشد. همچنین ضرایب تشخیص نشان می‌دهند که تغییر و تحولات مرتبط با پلیس جامعه‌محور متأثر از منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، توانمندی‌های حرفه‌ای پلیس، سبک رهبری و مدیریت پلیس، فرهنگ سازمانی پلیس، انتظارات مردم، انتظارات حاکمیت از پلیس، مشارکت اجتماعی، نظارت همگانی، مسأله‌محوری پلیس، اعتماد عمومی به پلیس، قانون‌محوری پلیس، اقتدار پلیس و توانمندی‌های رهبری پلیس در جامعه می‌باشد.

نمودار ۲: الگوی نهایی (بومی شده) رویکرد مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران



بحث و نتیجه‌گیری

در ۲۵ سال آخر قرن بیستم بسیاری از کارگزاران پلیس به این نتیجه رسیدند که انجام امور پلیسی به شیوه واکنش و سنتی (حتی در شکل حرفه‌ای آن) برای مهار جرم و کاهش ترس ناشی از آن، ساز و کار مناسبی نیست. بعد از آنکه پلیس به این باور دست یافت که حمایت و تشریک مساعی جامعه برای پیشگیری و مهار جرایم و بی‌نظمی‌ها ضروری است، پلیس جامعه‌محور به‌عنوان جایگزین ماندگار پلیس سنتی، قدم به عرصه وجود گذاشت (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۴۶۴-۴۶۵).

برای دستیابی به پلیس جامعه‌محور نه تنها یک بازسازی سازمانی بلکه یک تحول و دگرگونی همه‌جانبه در شیوه تفکر و عمل مورد نیاز می‌باشد. الگوی پلیس جامعه‌محور برای حفظ و تحکیم روابط پلیس و جامعه وسیله مناسبی است. این شیوه برای ارائه خدمت به مردم و پیشگیری از وقوع جرم و بی‌نظمی به عنوان وظایف اولیه پلیس در یک جامعه مردم‌سالار تأکید می‌کند. پلیس جامعه‌محور به جای تأکید بر آمار دستگیری‌ها، بر حل مشکلات جامعه با همکاری مردم و دخیل کردن هر چه بیشتر مردم در فعالیت‌های مهم اجتماعی تکیه می‌کند (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵، ص ۴۱۱-۴۰۴).

با بررسی ادبیات موضوع تحقیق مشخص شده که این مفهوم به‌طورعموم در قالب دو عنصر اصلی یعنی مشارکت مردمی و حل مشکل تعریف شده است و هر چند عناوینی مانند پلیس محله، امور پلیسی مبتنی بر حل مشکل، اهرم‌های خمیده، پنجره‌های شکسته و ... که نهادها و مشتقاتی از الگوی پلیس جامعه‌محور محسوب می‌شوند، ممکن است در زمان و مکان مختلف در عرصه عمل با هم تفاوت داشته باشند. ولی «مشارکت عمومی» و «حل مشکل» دو عنصر بنیادین و تمایز اصلی راهبردهای پلیس جامعه‌محور با پلیس سنتی است.

یافته‌هایی از تحقیقات در حوزه علوم پلیسی حاکی از آن است که پلیس جامعه‌محور فرآیند است، محصول نیست و سه عنصر اساسی دارد: مشارکت شهروندان، حل مشکل و تمرکززدایی. این سه بُعد در عمل با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و اداره‌هایی که یک یا دو مورد از عناصر مزبور را ندارند برنامه چندان کارآمدی نخواهند داشت. از منظر دیگر پلیس جامعه‌محور طرح همگانی است و آن‌قدر مطلوب سیاستمداران، مسئولین شهر و عموم مردم است که غالب روسای پلیس می‌خواهند به نوعی از این طرح برخوردار باشند. در پژوهشی که بنیاد پلیس در سال ۱۹۹۷ درباره اداره‌های پلیس به‌عمل

آورد، ۸۵ درصد از ادارات گزارش دادند که پلیس جامعه‌محور را به اجرا در آورده‌اند و یا در جریان به‌کارگیری آن بودند (دیوید، ۱۳۸۸، ص ۶۱).

بنابراین، برای تحقق پلیس جامعه‌محور لازم است که از طریق ساختارهای سازمانی جدید و آموزش به مأمورین پلیس از تمام این فعالیت‌ها حمایت شود. به نظر می‌رسد سازمان پلیس کشورها می‌بایست دوباره سازماندهی شوند تا برای شهروندان، در شرایطی که نیاز به برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات هست، فرصت برقراری ارتباط با مأموران محله فراهم آید.

در اینجا لازم است برخی از دیدگاه‌های شکاکانه به رویکرد پلیس جامعه‌محور را ذکر کنیم. طبق نتیجه‌گیری، هیأت بازبینی تحقیق^۱ طرح پلیس جامعه‌محور مفهومی چنان بی‌قاعده است که نمی‌توان آن را به طور تجربی ارزیابی کرد. این هیأت به محققان پیشنهاد کرده که این طرح را از طریق تجزیه آن به مؤلفه‌های معین بسنجند. من به عنوان منتقد طرح پلیس جامعه‌محور با ارائه دیدگاهی شکاکانه ایفای نقش می‌کنم، یک شکاک یک مردد متفکر است. تردید کردن یک روش است نه نتیجه‌گیری. پلیس جامعه‌محور هر اندازه که خوب باشد، باید بررسی دقیق شکاکان متفکر را تاب آورد (ویزبرد و براگا، ۱۳۸۸، ص ۸۸-۸۹). در عمل هم، پژوهشی جدی درباره انتظارات شهروندان از پلیس وجود ندارد که ما را قادر سازد درباره طرح پلیس جامعه‌محور نتیجه‌گیری کنیم.

به‌طور مسلم مأموران پلیس جامعه‌محور وقتی موفق خواهند بود که اجازه داشته باشند نقش حقیقی خود را در جامعه ایفا کنند. مشکل پیش روی پلیس این است که مأمورین پلیس جامعه‌محور، به‌ویژه آنهایی که در شهرهای بزرگ انجام وظیفه می‌کنند، به‌طور پیوسته در وظایف مربوط به پلیس جامعه‌محور دخالت ندارند بلکه به‌طور مرتب برای انجام وظایف دیگر منفک می‌شوند (کوربان، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

با بررسی پیش‌فرض‌ها، عناصر و ارکان اصلی نظریه پلیس جامعه‌محور می‌توان چنین نتیجه گرفت که جوامعی که با استقبال گرم از پلیس جامعه‌محور به‌ویژه کشورهایی چون آمریکا، انگلستان، ایتالیا، استرالیا، کانادا، سنگاپور، هنگ کنگ، چین، ژاپن، یونان، تایوان و مواجه شده‌اند، قادر بوده‌اند تا در از میان برداشتن موانع بی‌اعتمادی بین کارآمدی یا ناکارآمدی رویکرد پلیس جامعه‌محور در بین پژوهشگران حوزه‌های علوم اجتماعی،

پلیس قضایی و حتی در بین مدیران و فرماندهان ارشد پلیس کشورها و همچنین افسران عملیاتی موفقیت‌های اندکی را کسب نمایند. از سوی دیگر، یافته‌های ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که بحث برسر این نیست که نظریه پلیس جامعه‌محور کارایی ندارد، بلکه عمده بحث اشاره به این موضوع دارد که آیا این رویکرد قادر است احساس امنیت، امنیت، نظم اجتماعی و مشارکت هدفمند مردم با پلیس و پلیس با مردم را در پیشگیری و مهار جرم و جنایت از آن را تضمین کند. یافته‌های پژوهشی در پرتو اسناد بین‌الملل نشان می‌دهد که تا رسیدن به این اهداف فاصله زیادی وجود دارد.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست، اینکه بررسی‌ها و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهند که نظریه پردازان و مروجین الگوی پلیس جامعه‌محور نتوانسته‌اند به درستی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشخص و معینی را برای این الگو ترسیم و تبیین نمایند. این نظریه بیشتر و شاید بتوان گفت که صرفاً در قالب یک الگو کلامی مطرح شده است نه در قالب ترسیم متغیرها، عوامل مرتبط با این الگو، و بر این باوریم که انسجام نیافتگی این الگو در تعریف مفهومی جامع و مانع و همچنین عدم تعریف عملیاتی مشخص آن باعث شده تا یک نوع وضعیت آشفتگی در معنا و مفهوم و ساختار اساسی این الگو در کشورهای مختلف به وجود آید که این وضعیت را می‌توان در پرتو اسناد بین‌الملل به خوبی مشاهده کرد. البته در این راستا نباید قضاوت‌های شتابزده مبنای تحلیل، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در عرصه پی‌گیری و تحقق رویکرد پلیس جامعه‌محور در هر کشوری قرار گیرد. چرا که این الگو در مسیر تکامل در حرکت است تا تبدیل به یک وفاق جهانی شود.

ما در این تحقیق در پی شناسایی ابعاد و عوامل مؤثر بر رویکرد پلیس جامعه‌محور بودیم تا الگوی بومی شده پلیس جامعه‌محور در ایران را طراحی و ارائه دهیم. نتایج یافته‌های این پژوهش در تمامی فرضیه‌ها اعم از اصلی و فرعی نشان دادند که بین متغیرهای عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مرتبط با رویکرد پلیس جامعه‌محور رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصله از آزمون الگوی پژوهش به روش تحلیل عاملی تأییدی حاکی از آن است که عوامل برون‌سازمانی مرتبط با رویکرد پلیس جامعه‌محور (مسئله‌محوری پلیس، اعتماد عمومی به پلیس، قانون‌محوری پلیس و اقتدار پلیس) رابطه معنادار مستقیم و همچنین این عوامل با عوامل درون‌سازمانی (منابع انسانی، ساختار، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای بودن پلیس، سبک رهبری، توانمندی‌های رهبری پلیس و فرهنگ سازمانی) نیز رابطه مستقیم و از این طریق نیز عوامل درون‌سازمانی با رویکرد

پلیس جامعه محور رابطه معکوس را نشان می‌دهند. این رابطه بدین معنی است که چنانچه فرماندهان و مدیران ارشد پلیس بخواهند. سازمان پلیس را با رویکرد پلیس جامعه محور مدیریت کنند، می‌بایست تغییر و تحولات و مهندسی مجدد سازمان در حوزه عوامل درون سازمانی را در دستور کار قرار داده و همچنین از توجه به عوامل مؤثر برون سازمانی بر رویکرد پلیس جامعه محور نیز غفلت نکنند به ویژه در ارتباط با متغیر اعتماد عمومی که هم درصد میانگین و هم با بار عاملی تأییدی بالا نشان می‌دهد که پلیس می‌بایست این سرمایه اجتماعی را جدی گرفته و از هر اقدام و کارکردی که به این اعتماد خدشه و لطمه وارد می‌کند، پرهیز نماید.

همچنین نتایج یافته‌ها نشان می‌دهند که حرفه‌ای بودن پلیس، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، مسأله محوری پلیس، انتظار مردم از پلیس، انتظار حاکمیت از پلیس و مشارکت اجتماعی، سبک رهبری پلیس و منابع انسانی بار عاملی تأییدی بالا بیشترین تأثیر بر رویکرد پلیس جامعه محور را دارا هستند. بنابراین، نیروی انتظامی می‌بایست برای به تحقق رویکرد پلیس جامعه محور در ایران برنامه‌ریزی‌ها، راهبردها، سیاست‌ها و به‌طور کلی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های حوزه مأموریتی خود به این مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مدیریت پلیس جامعه محور اهتمام داشته و اجرای آن را در دستور کار تمام واحدهای پلیس قرار دهد.

پیشنهادها:

- الف - پیشنهادها براساس فرضیه‌های پژوهش
- ۱- تغییر در فرآیند کمی و کیفی گزینش و استخدام نیروی انسانی در سطوح مختلف در سطح ناجا؛
 - ۲- طراحی برنامه‌ها مفاد آموزش مرتبط با رویکرد پلیس جامعه محور و اجرای آن در تمامی سطوح مدیریتی و اجرای آموزش‌های عمومی مراکز درجه‌داری و افسران وظیفه؛
 - ۳- ایجاد واحدی مستقل به شکل تاکتیکی در ساختار پلیس تا بتواند به شکل آزمایشی الگوی مدیریت پلیس جامعه محور را در چند استان به اجرا در آورده و پس از بازخوردگیری ارزیابی لازم صورت گرفته و سپس به شکل فراگیر در سطح ناجا عملیاتی شود.
 - ۴- برنامه‌ریزی و اجرای آموزش همگانی به شکل فراگیر و مستمر در سطح جامعه با تدوین کتابچه آشنایی مردم با رویکرد پلیس جامعه محور و ساخت فیلم‌های آموزشی و

- پخش در صدا و سیما و در سطح ناجا و مراکز آموزشی؛
- ۵- تشکیل واحدی تحت عنوان پلیس مشترک (مردم- پلیس) و فعال شدن این واحد در پیشگیری از جرم با رویکرد پلیس جامعه‌محور؛
- ۶- اهداف، راهبردها و برنامه‌های پلیس جامعه‌محور در مدارس، تشکلهای مردم‌نهاد و سازمان‌هایی که به نوعی با پلیس در برقراری و حفظ نظم و امنیت جامعه مشارکت دارند آموزش داده شده و تبیین گردد؛
- ۷- فرهنگ سازمانی نقش اساسی در تحقق رویکرد پلیس جامعه‌محور دارد، با توجه به اینکه رابطه معناداری بین فرهنگ سازمانی و رویکرد پلیس جامعه‌محور مورد تأیید قرار گرفته است، لازم است در قالب برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های آموزشی زیرساخت‌های این الگو آموزش داده شود. چرا که این الگو از نظر بنیانی یک روش فکر و اندیشیدن در حوزه امور پلیس تلقی می‌شود. تا قبل از اینکه این الگو در سازمان پلیس در سطوح مختلف به خوبی درک نشود و نیروها بدان باور نداشته باشند و در قالب یک فرهنگ سازمانی نهادینه نشود امکان تحقق آن در ابعاد مختلف به وجود نخواهد آمد.
- ۸- مدیریت پلیس در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های حوزه مأموریتی با برنامه‌ریزی و سازماندهی هدفمند بر توانمندی‌های بالفعل و بالقوه مردم متمرکز شده و در برآوردها مردم را به شکل مستمر به حساب بیاورد؛
- ۹- نتایج پژوهش نشان داد که نوع رفتار و محبوبیت پلیس در جامعه در رویکرد پلیس جامعه‌محور تأثیر به‌سزایی دارد. بنابراین ساختارهای رفتاری و منش مأموران پلیس می‌بایست تعریف شده و نظارت و کنترل لازم صورت گیرد. چرا که از منظر همین رفتارها، جامعه در ارتباط با کارکردهای مأمورین پلیس به قضاوت می‌نشیند؛
- ۱۰- رابطه سبک رهبری پلیس با رویکرد پلیس جامعه‌محور، یک رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بدین معنا که پلیس چنانچه بخواهد در عرصه پلیس جامعه‌محور موفق شود می‌بایست سبک رهبری و مدیریتی مشارکتی را هم در درون سازمان و هم در محیط خارجی سازمان توسعه داده و بدان پایبند باشد؛
- ۱۱- فرماندهان و مدیران ارشد و میانی پلیس می‌بایست در بخش نظارت همگانی به بازخوردهای سیستم ۱۹۷ به شکل هدفمند بها داده و به‌طور دائم اطلاعات این سیستم را در ابعاد مختلف رصد نمایند و برای بهره‌برداری تا پایین‌ترین سطوح سازمان برای بهره‌برداری منعکس کنند؛

۱۲- رابطه بین قانون محوری پلیس با رویکرد پلیس جامعه محور نیز رابطه معناداری است. بدین معنی که هر میزان که مأمورین پلیس در اجرای مأموریت‌های خود قانونمند عمل کنند، در تحقق رویکرد پلیس جامعه محور مؤثر است. بنابراین، برای تحقق قانون محوری پلیس به آموزش نیاز است که این امر مهم باید به نحوی در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود و از طرف دیگر با برخورد قاطع با متخلفین از قوانین و مقررات زمینه بروز این آسیب را کاهش داده و آن را از بین ببرند.

۱۳- اقتدار پلیس نیز رابطه معناداری با رویکرد پلیس جامعه محور را نشان می‌دهد. مردم وقتی که اقتدار پلیس را همراه با صلابت و استواری و درعین حال با عدالت محوری و رأفت و مهربانی مشاهده می‌نمایند، اشتیاق پیدا می‌کنند که با پلیس همکاری و مشارکت داشته و نظم و امنیت را در جامعه برقرار و پایدار نمایند.

۱۴- یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه بین حرفه‌ای بودن پلیس و پلیس جامعه محور رابطه معناداری است. لذا حرفه‌ای بودن پلیس منافاتی با رویکرد پلیس جامعه محور نداشته و برعکس هر چقدر پلیس حرفه‌ای‌تر عمل کند مردم بیشتر استقبال می‌کنند. بنابراین حرفه‌ای بودن پلیس در ۳ مؤلفه دانش، منش و مهارت مورد نظر است که می‌بایست در برنامه‌های آموزشی و تربیتی بدان اهتمام داشت.

۱۵- رابطه انتظارات حاکمیت و مردم از پلیس با رویکرد پلیس جامعه محور، رابطه معناداری را نشان می‌دهد. کلیدی‌ترین انتظار از پلیس، اجرای قانون، پیشگیری از جرم و عدالت محوری عمل کردن است و مهم‌ترین انتظار حاکمیت از پلیس نیز اجرای دقیق قانون، پیشگیری از جرم و پناه مردم بودن و رعایت حقوق شهروندی است. لازمه تحقق این انتظارات، با آموزش اصول و مبانی آن و نظارت و کنترل سطوح مدیریتی در پلیس خواهد بود.

ب- سایر پیشنهادها:

- ۱- الگوی تأییدی پژوهش در چند استان به صورت آزمایشی اجرا شود؛
- ۲- پلیس محله و همیاران پلیس و پلیس افتخاری بازمینی و توسعه داده شود؛
- ۳- کتاب و برنامه مدیریت پلیس جامعه محور در مراکز آموزشی، در رده مدیریتی و فرماندهی انتظامی استان‌ها و برای سایر فراگیران؛
- ۴- همایش‌ها و میزگردهای علمی در سطح گسترده سازماندهی و اجرا گردد؛
- ۵- به‌طور آزمایشی در چند استان، رییس کلانتری با انتخاب مستقیم مردم صورت گیرد.

البته سازوکار مناسب را می‌بایست پلیس فراهم کند تا مردم آگاه شده و سپس در این فرایند مشارکت کنند.

۶- پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در آینده موضوعات زیر را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند:

- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور با پیشگیری از جرایم؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور با کاهش جرایم؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور و بهره‌وری سازمانی پلیس؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور و نظم و امنیت عمومی؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور و امنیت پایدار؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور با میزان استقبال و پذیرش نیروهای خط‌مقدم پلیس (کلانتری‌ها) از این الگو؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور و مدیریت کیفیت جامع؛
- رابطه بین الگوی پلیس جامعه‌محور با انضباط اجتماعی؛

محدودیت‌های پژوهش: نظر به اینکه موضوع پژوهش برای اولین بار در ایران به‌روش علمی مورد بررسی قرار می‌گرفت، پژوهش در فرآیند خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که برخی از آنها به شرح زیر ذکر می‌شود:

- فقدان منابع مهم داخلی که به ناچار محقق را مجبور ساخت تا از منابع دست اول خارجی مرتبط با موضوع پژوهش بهره‌برداری نماید.
- تردید نگری برخی از خبرگان و افراد نمونه جامعه آماری به اصل پلیس جامعه‌محور، وقت زیادی را از پژوهشگر گرفت تا مخاطبین را در خصوص اصول و پیش فرض‌های این رویکرد توجیه و مسایل مهم این الگو را تبیین نماید.

منابع

فارسی:

- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۴). *آئین فرماندهی و راهبرد/انتظامی (افرا)*. تهران: دفتر فرماندهی ناجا.
- بیلی، دیوید (۱۳۷۹). *پلیس آینده* (غلامرضا زندی، مترجم). تهران: تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت آموزش ناجا، اداره کل پشتیبانی آموزش (نشر اثر اصلی ۱۹۹۶).
- ترویانوویچ، رابرت م. ؛ باکورکس، بانی (۱۳۸۳). *پلیس جامعه محور* (مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، مترجم). تهران: فرات (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).

- چو، جیم (۱۳۸۵). فناوری اطلاعات فناوری اطلاعات نیروی انتظامی راهنمای مدیریتی، عملیاتی، کاربری (فروهر دزفولیان، مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (نشر اثر اصلی ۲۰۰۱).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵). نیروی انتظامی (خوشه‌های معرفت از بوستان ولایت). تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- کوربان، جورج توماس (زیرچاپ). دانشنامه جهانی پلیس و نظام‌های تادیبی (مجیدخیز، مترجم). (ج ۱). تهران: دانشگاه علوم انتظامی - دانشکده فرماندهی و ستاد (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹).
- قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۰). آیین‌نامه فرماندهی و رهبری انتظامی (اقرار). تهران: دفتر فرماندهی ناجا
- میس، ادوین؛ اورتمایر، پی. جی. (۱۳۸۵). رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس، چالش‌های پیش روی پلیس در قرن ۲۱ (حسین شاکری، مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (نشر اثر اصلی ۲۰۰۴).
- میلر، لیندا؛ هس، کارن ام. (۱۳۸۲). پلیس در اجتماع: راهبردهایی برای قرن بیست و یکم (جلد اول) (رضا کلهر، مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، معاونت پژوهشی، اداره چاپ و نشر (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
- ویزبرد دیوید؛ براگا، آنتونی ای. (۱۳۸۸). چشم‌اندازها در نوآوری پلیس (حسین ملانظر، مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (نشر اثر اصلی ۲۰۰۶).
- وروایی، اکبر (۱۳۸۴). پلیس جامعه محور. تهران: سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا.
- هابرفیلد، ام. آر. (۱۳۸۶). مسائل حیاتی در آموزش پلیس (جنابی احسان، مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).

انگلیسی:

- Bailey, D. M. (1989). Community Policing in Australia: An Appraisal, In eds D. Chappell & P. Wilson, (eds). *Australian Policing: Contemporary Issues*. Butterworths, Sydney.
- Becker H. K., & Beaker D. L. (2002). Community Policing: The US Experience. In McKenzie, I. K., & R Bull. (eds). *Criminal justice research: Inspiration, influence and ideation*. Aldershot, Hampshire, England: Ashgate, Dartmouth.
- Bentz, D. E. (1995, February). With an eye on the future. *The Police Chief*, 62(2), 14-17.
- Brann, J. (1996). Cops director Joe Brann welcomes new community publication for sheriffs. *Sheriff Times*.
- Bryant, R. P. (2007). *Examining the impact of community policing on crime in the United States*. (Unpublished master's thesis). California State University, Long Beach.
- Ellison, E. (2006, April). Community Policing: Implementation Issues. *FBI Law Enforcement Bulletin*, 75(4), 12-16. Retrieved from <http://www.ncjrs.gov/App/Publications/abstract.aspx?ID=235298>
- Gowri, A. (2003, January). Community policing is an epicycle. *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 26(4), 591-611. doi:10.1108/13639510310503532
- Jayne, S. (1996, June). Defining community policing. *American Journal of Police*, 15(2), 1-22. doi:10.1108/07358549610122476
- Kelling, G. L., & Moore, M. H. (1991). From political to reform to community: The evolving strategy of police. J. R. In Greene & S. D. Mastrofski, *Community policing: Rhetoric or reality* (pp. 3-25). New York: Praeger.

- Klokars, C. B. (1991). The rhetoric of community policing: Rhetoric or reality. In J. R. Greene, & S. D. Mastrofski. *Community policing: Rhetoric or reality* (pp. 239-58). New York: Praeger.
- Manning, P. K. (1991). Community policing as a drama of control. In J. R. Greene, & S. D. Mastrofski (eds.). *Community policing: Rhetoric or reality*. New York: Praeger.
- Mastrofski, S. (1993). Varieties of Community Policing. *American Journal of Police*, 12 (3), 65-77.
- Memory, J. M. (2001, March). Teaching patrol officer problem solutions to criminal justice courses. *The Journal of Criminal Justice Education*, 12(1), 213-228. doi: 10.1080/10511250100085131
- Moy, P., & Pfau, M. (2000). *With malice towards all? The media and public confidence in democratic institutions*. Westport, CT: Praeger Publishers.
- Skogan, W. G. (2006). *Police and community in Chicago: A tale of three cities* (Studies in crime and public policy). Oxford: Oxford University Press.
- United States. Bureau of Justice Assistance., & Community Policing Consortium. (1994). *Understanding community policing: A framework for action*. Washington, D.C: The Bureau of Justice Assistance.
- Vaughn, J. R. (1991, June). Community-Oriented Policing . . . You Can Make It Happen. *Law and Order* 39(6), 35-39. Retrieved from <http://www.ncjrs.gov/App/publications/abstract.aspx?ID=130714>
- Verschaeve, C. H. (2004, August 16). *Community Policing-It Simply Makes Sense* (An applied research project submitted to the Department of Interdisciplinary Technology). Ypsilanti, MI: Eastern Michigan University. Retrieved from www.emich.edu/.../PoliceStaff/Community%20Policing/Community%20Policing--It%20Simply%20Makes%20Sense.pdf
- Voegel, C. F. (1993). *The implementation of community based policing and related strategies: a case study*. Retrieved from <http://www.fdle.state.fl.us/Content/getdoc/dae24ed0-943f-498c-b383-cb992f06cab6/Voegel.aspx>.
- Willard, M. O., & Bartgis, E. (1998). Community policing: a conceptual framework. *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 21(3), 490-509. doi: 10.1108/13639519810228796
- Wong, K. C. (2000). *Community policing in comparative context: P.R.C. vs. U.S.A*. Retrieved from http://works.bepress.com/kam_wong/29/
- Wong, K. C. (2009). Chapter 8: Chinese Theory of Community Policing. In *Chinese Policing: History and Reform*. New York: Peter Lang. Retrieved from http://works.bepress.com/kam_wong/6/
- Xu, Y., Fielder, M.L. and Flaming, K.H. (2005, May). Discovering the Impact of Community Policing: the Broken Windows Thesis, Collective Efficacy, and Citizens' Judgement. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 42(2), 147-86. doi: 10.1177/0022427804266544
- Yumin R. Wang, Y. R. (2007, March). Patterns of community policing officers and their work: A study of the National Police Force of Taiwan. *International Journal of Police Science and Management*, 9(1), 51-65. doi: 10.1350/ijps.2007.9.1.51